

وزارت فرهنگ و آموزش عالی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
«گروه زبان و ادبیات فارسی»

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و
ادبیات فارسی

موضوع:

تعیین داستانهای جامع الهی نامه، منطق الطیر، مصیبت نامه و
بررسی شخصیت‌های داستانی در مثنویهای داستانی
فریدالدین عطار نیشابوری

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر سهیلا صارمی

پژوهش:

سید شمس‌الدین مظلومی

شهریور ۱۳۷۴

فهرست مطالب

شماره صفحه

عنوان

۱.....	پیشگفتار.....
۳.....	مقدمه.....
	بخش اول: تعیین داستانهای اصلی در سه مثنوی الهی نامه، منطق الطیر
۱۵.....	، مصیبت نامه و بررسی شخصیت ها و ذکر عقاید و اندیشه.....
۱۶.....	فصل اول: الهی نامه.....
۱۷.....	- معرفی کتاب.....
۱۹.....	- گفتگوی فرزند اول با پدر.....
۱۹.....	الف - گزارش گفتگو.....
۲۰.....	ب - تعیین شخصیت ها در گفتگوی (۱).....
۲۰.....	۱- فرزند.....
۲۰.....	۲- پدر.....
۲۰.....	۳- دختر پریان.....
۲۱.....	- گفتگوی فرزند دوم با پدر.....
۲۱.....	الف - گزارش گفتگو.....
۲۳.....	ب - تعیین شخصیت ها در گفتگوی (۲).....
۲۳.....	۱- فرزند.....
۲۴.....	۲- پدر.....
۲۵.....	۳- ابلیس.....

گفتگوی فرزند سوم با پدر.....	۲۶
الف - گزارش گفتگو.....	۲۶
ب - تعیین شخصیت‌ها در گفتگوی (۳).....	۲۷
۱- فرزند.....	۲۷
۲- پدر.....	۲۷
۳- جام جم.....	۲۸
- گفتگوی فرزند چهارم با پدر.....	۲۸
الف - گزارش گفتگو.....	۲۸
ب - شخصیت‌ها در گفتگوی (۴).....	۲۹
۱- فرزند.....	۲۹
۲- پدر.....	۲۹
گفتگوی فرزند پنجم با پدر.....	۲۹
الف - گزارش گفتگو.....	۲۹
ب - شخصیت‌ها در گفتگوی (۵).....	۳۰
۱- فرزند.....	۳۰
۲- پدر.....	۳۱
- گفتگوی فرزند ششم با پدر.....	۳۱
الف - گزارش گفتگو.....	۳۱
ب - شخصیت‌ها در گفتگوی (۶).....	۳۳
۱- فرزند.....	۳۳
۲- پدر.....	۳۴

فصل دوم: منطق الطير	۳۵
الف - معرفی کتاب و گزارش داستان منطق الطير	۳۶
ب - بررسی شخصیت‌ها در داستان جامع منطق الطير
۱- سيمرغ	۴۱
۲- مرغان	۴۲
- بلبل	۴۳
- طوطی	۴۴
- طاووس	۴۴
- بط	۴۵
- کبک	۴۷
- هما	۴۷
- باز	۴۸
- بوتیمار	۴۹
- کوف	۴۹
- صعوه	۴۹
۳- هدهد	۵۰
الف (حالات و رفتار	۵۱
ب) شیوه انتخاب	۵۲
ج) عقاید و اندیشه‌های هدهد	۵۳
ج - حوادث داستان	۵۸
فصل سوم: مصیبت‌نامه	۶۱

الف - معرفی کتاب	۶۲
ب - گزارشی مختصر از سفر سالک	۶۴
ج - تعیین شخصیت‌ها در داستان اصلی مصیبت‌نامه	۶۵
۱- سالک	۶۵
۲- مراتبی که سالک با آنها دیدار می‌نماید	۶۸
- جبرئیل	۶۹
- اسرافیل	۶۹
- میکائیل	۷۰
- عزرائیل	۷۰
- حمله عرش	۷۰
- عرش	۷۱
- کرسی	۷۱
- لوح	۷۲
- قلم	۷۲
- بهشت	۷۳
- دوزخ	۷۳
- آسمان	۷۳
- آفتاب	۷۴
- ماه	۷۴
- آتش	۷۵
- باد	۷۵

عنوان

صفحة

٧٦.....	- آب
٧٦.....	- خاک
٧٦.....	- کوه
٧٧.....	- دریا
٧٧.....	- جماد
٧٨.....	- نبات
٧٨.....	- وحوش
٧٨.....	- طيور
٧٩.....	- حیوان
٧٩.....	- شیطان
٨٠.....	- جن
٨٠.....	- آدمی
٨٠.....	- آدم
٨١.....	- نوح
٨١.....	- ابراهیم
٨٢.....	- موسی
٨٢.....	- داوود
٨٣.....	- عیسی
٨٣.....	- مصطفی
٨٤.....	- حسن
٨٤.....	- خیال
٨٤.....	- عقل

۸۵.....	دل -
۸۵.....	جان -
۸۶.....	۳- پیر
۸۷.....	خصوصیات پیر
۸۷.....	اعمال و رفتار پیر
۸۷.....	سخنان و اندیشه‌های پیر
۹۵.....	چکیده کلام
	بخش دوم: تعیین و بررسی شخصیتها در حکایات فرعی الهی نامه،
۹۷.....	منطق الطیر مصیبت نامه و اسرار نامه
	فصل اول : تعیین شخصیت ها بر اساس رتبه و مقام اجتماعی (مراتب
۹۸.....	اجتماعی).....
۹۹.....	۱- پادشاهان
۱۱۴.....	۲- وزیران
۱۱۷.....	۳- قاضی، محتسب و دبیر
۱۱۹.....	۴- سرهنگ، سپاهی، پاسبان، سپهدار.....
۱۲۲.....	۵- شاهزادگان
۱۲۴.....	۶- غلامان
۱۲۶.....	- ایاز
۱۳۶.....	فصل دوم: شخصیت های دینی
۱۳۷.....	۱- پیامبران
۱۴۷.....	۲- صحابه (عمر).....

۱۴۸.....	۳- عارفان
۱۷۷.....	۴- صوفی
۱۸۳.....	۵- زاهد
۱۸۴.....	۶- نمازگزار
۱۸۵.....	۷- عابد
۱۸۶.....	۸- پیروان ادیان غیر از اسلام
۱۸۷.....	۱- ترسا
۱۸۹.....	۲- یهودی
۱۹۰.....	۳- زردشتی
۱۹۳.....	۴- هندو
۱۹۵.....	فصل سوم: اصناف و گروه‌های مختلف جامعه
۱۹۶.....	۱- عالمان، فیلسوفان و دانشمندان و شاعران
۱۹۸.....	شاعران
۱۹۹.....	- رابعه (بررسی حکایت رابعه و بکتاش)
۲۰۱.....	- رودکی
۲۰۲.....	- فخرالدین گرجانی
۲۰۳.....	۲- ثروتمندان
۲۰۶.....	۳- فقیران
۲۰۹.....	۴- درویش
۲۱۴.....	۵- کودکان
۲۱۷.....	۶- جوانان

۲۲۱.....	۷- پیران
۲۲۳.....	۸- زنان
۲۲۳.....	- زن پارسا (بررسی حکایت زن پارسا)
۲۲۸.....	- زن
۲۳۱.....	- بیوه زن
۲۳۲.....	- عورتی
۲۳۴.....	- پیرزن
۲۳۹.....	۹- مردان
۲۴۱.....	۱۰- عاشقان
۲۴۱.....	- عاشق
۲۴۵.....	- لیلی و مجنون (مجنون)
۲۴۷.....	- لیلی
۲۴۸.....	- زلیخا
۲۵۱.....	۱۱- بزه کاران اجتماع
۲۵۱.....	- دزد
۲۵۵.....	- قمارباز و دوالک باز
۲۵۶.....	- قلاش
۲۵۷.....	- مست
۲۵۸.....	- قلاب
۲۵۹.....	- مخنت
۲۶۰.....	- رند و خمار

۲۶۳.....	۱۲- جادوگران
۲۶۳.....	- ساحر (مارافسا)
۲۶۳.....	- سرتاپک هندی
۲۶۴.....	۱- کودک
۲۶۶.....	۲- دختر پریان
۲۶۶.....	۳- استاد و حکیم
۲۶۸.....	۱۳- پیشه‌وران
۲۶۸.....	- کاسب (دلال فرش)
۲۶۹.....	- دلال
۲۶۹.....	- شیر فروش
۲۶۹.....	- انگبین فروش
۲۶۹.....	- بقال
۲۷۰.....	- بازاری
۲۷۰.....	- قصاب
۲۷۱.....	- نانوا و نان پز
۲۷۱.....	۱- نانوا
۲۷۱.....	۲- نان پز
۲۷۲.....	- ملاح
۲۷۲.....	- سقا
۲۷۲.....	- گازر
۲۷۲.....	- خشت زن
۲۶۱.....	- خونی
۲۶۲.....	- پیرزانی

۲۷۴.....	- گورکن
۲۷۴.....	- حمال
۲۷۵.....	- کناس
۲۷۵.....	- ژنده چین
۲۷۵.....	- خاک بیز
۲۷۶.....	- گلخن تاب
۲۷۷.....	- هیزم شکن
۲۷۷.....	- درمنه کش
۲۷۸.....	- خارکن
۲۷۸.....	- هیزم فروش ، خارکش
۲۷۹.....	- خوشه چین
۲۸۰.....	- جوان نمک فروش
۲۸۱.....	- مزدور
۲۸۲.....	- میر کاریز
۲۸۲.....	- چنگ نواز
۲۸۳.....	- کشتی گیر
۲۸۴.....	۱۴- دیوانگان
۳۰۵.....	- بهلول
فصل چهارم: پرندگان، حیوانات، نباتات و جمادات شخصیت یافته و	
۳۱۳.....	تمثیلی
۳۱۴.....	پیش درآمد

پرندگان	۳۱۴
حشرات	۳۱۹
حیوانات	۳۲۳
نبات و جماد	۳۲۷
۱- سلیمان و کوزه	۳۲۷
۲- خم و عیسی	۳۲۷
۳- سلیمان و باد	۳۲۷
۴- کیخسرو و جام	۳۲۸
۵- سنگ و کلوخ	۳۲۸
۶- آتش و سوخته	۳۲۸
۷- دریا و عارف	۳۲۹
۸- ماه و خورشید	۳۲۹
۹- یوسف و آئینه	۳۲۹
۱۰- دیگ و کاسه زرین	۳۲۹
۱۱- سازنک و چنار	۳۲۹
فصل پنجم: شخصیت‌های آسمانی و روحانی	۳۳۱
پیش درآمد	۳۳۲
ابلیس	۳۳۴
جبرئیل و هاتف	۳۴۰

۳۴۳.....	ملایک و فرشته
۳۴۴.....	هاروت و ماروت
۳۴۴.....	عزرائیل
۳۴۵.....	فصل ششم: نقشها و شخصیتها
۳۴۶.....	۱- نقش حکیم و راهنما و شخصیت‌هایی که در این نقش‌اند
۳۴۷.....	۲- نقش معترس و شخصیت‌هایی که در این نقش‌اند
۳۴۸.....	۳- نقش عاشق و شخصیت‌هایی که در این نقش‌اند
۳۵۰.....	۴- نقش عارف (اهل حق) و شخصیت‌هایی که در این نقش‌اند
۳۵۰.....	۵- نقش نایب و شخصیت‌هایی که در این نقش‌اند
۳۵۰.....	۶- نقش دادخواه و شخصیت‌هایی که در این نقش‌اند
۳۵۱.....	۷- نقش دزد و شخصیت‌هایی که در این نقش‌اند
۳۵۱.....	۸- نقش عیادت‌کننده و شخصیت‌هایی که در این نقش‌اند
۳۵۲.....	۹- نقش مشاور و شخصیت‌هایی که در این نقش‌اند
۳۵۲.....	۱۰- نقش جاهل و نادان و شخصیت‌هایی که در این نقش‌اند
۳۵۲.....	۱۱- نقش دین‌فروش و شخصیت‌هایی که در این نقش‌اند
۳۵۲.....	۱۲- نقش دیوانه و شخصیت‌هایی که در این نقش‌اند
۳۵۴.....	چکیده کلام
۳۵۷.....	فهرست منابع و مآخذ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیشگفتار

در ره منزل لیلی که خطر هاست در آن
شرط اول قدم آنست که همچون باشی

فریدالدین عطار نیشابوری یکی از ستارگان پرفروغ آسمان پر نقش و نگار ادبیات فارسی است که سالهای سال پرتوافشانی می‌کند و به جهانی در بین شاعران طراز اول ادب فارسی جای گرفته است.

از یکسو او ادامه دهنده راهی شد که سنایی غزنوی، قبل از او در شعر فارسی گشود. و از سوی دیگر، بسیاری از مسائل پیچیده عرفانی را در قالب داستان و حکایت به ادب دوستان و خوش مشربان عرضه داشت و از این دیدگاه او یکی از بزرگترین داستان‌سرایانی است که هنوز چون اویی از مادر نزاده‌ست.

اگر فردوسی در داستان حماسی بر دیگران سرآمد است و اگر نظامی در داستانهای رمانتیکی و عاشقانه، گوی سبقت را از دیگران ربوده است. عطار نیز در داستان عارفانه، سیمرغ قاف واقعه است. اهمیت او تنها در شیوه داستان‌سرای نیست بلکه بدین جهت است که با انتخاب شخصیت‌های داستانی از میان طبقات گوناگون اجتماع و بویژه توجه عمیق به طبقه فرودست، شعر فارسی را مردمی ساخت و به آنها هویت بخشید.

او از زوایای مختلف به شخصیت‌های خود می‌نگرد، به خصوصیات ظاهری چون نوع لباس، طعام، شکل ظاهر، شیوه و مکان زندگی آنها اشاره می‌کند. حالات و رفتار، شیوه‌های برخورد و لحن صحبت و کارهای افراد را نشان می‌دهد. و چون روانشناس و طبیبی به درون شخصیت‌ها نفوذ می‌کند و از خصوصیات درونی، خوی و منش و افکار و عقاید آنها پرده بر می‌دارد. و از این طریق هم مسائل عرفانی را مطرح می‌سازد و هم از محیط پیرامون خود عکسبرداری می‌کند و تصویری گویا از جامعه خود ارائه می‌دهد که کمتر شاعری صاحب این خصیصه است.

بی‌شک سخن گفتن این حقیر درباره کسی که هنرش، هنرها بیاراید ملال‌آور و عبث است. اما از آنجا که گفته‌اند اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند و به قول مولانا:

آب دریا را اگر نتوان کشید
هم به قدر تشنگی باید چشید

به راهنمایی استاد گرانمایه جناب آقای دکتر تقی‌پور نامداریان، تعیین داستانهای جامع الهی‌نامه، منطق‌الطیرو مصیبت‌نامه و بررسی شخصیت‌های تمثیلی سه مثنوی مذکور و اسرارنامه را بعنوان موضوع رساله خود انتخاب نمودم

و از آنجا که لطف الهی شامل حالم گردید استادگرامی سرکار خانم دکتر سهیلا صارمی نیز، مشاوره این رساله را عهده‌دار گردیدند و از راهنماییها و ارشادات استادانه و دلسوزانه آن بزرگواران بهره‌مند شدم که شکر و سپاس این همه لطف و محبت را بر خود فرض و واجب می‌بینم.

حقیر رساله خود را در دو بخش و نه فصل تنظیم نموده است که بخش اول به داستانهای جامع الهی‌نامه، منطق‌الطیر و مصیبت‌نامه و تعیین شخصیت‌ها و عقاید آنها اختصاص دارد و در بخش دوم شخصیت‌های تمثیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

کار حقیر نگرستن به خصوصیات ظاهری و باطنی و تعیین نقش شخصیت‌هاست. و از آنجا که هدف شاعر از داستانسرایی بیان اندیشه و طرح عقاید است و به فرموده مولانا «معنی اندر وی بسان دانه است» عقاید هر شخص و گروه بطور خلاصه و مختصر ذکر گردیده است. بی‌هیچ اغراق تازگی کار و گستردگی آن و قطعاً نوآموزی حقیر، راه ورود کاستیها و نواقص بیشماری باز گشوده، که امید اغماض است.

در پایان باز از جناب آقای دکتر پورنامداریان استاد راهنما و خانم دکتر صارمی استاد مشاور که با رویی گشاده و بزرگوارانه متحمل زحمات حقیر بودند سپاسگزاری می‌نمایم. همچنین از اساتید محترم گروه ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آقایان دکتر مدی، دکتر نجفداری و دکتر جوادی که بارها و بارها مزاحم وقت شریفشان بودم و همچنین مسئولین کتابخانه پژوهشگاه و ماشین‌نویسان کوی دانشگاه تهران سرکار خانم خلفی و مرادی کمال تشکر و قدردانی می‌نمایم.

سید شمس الدین مظلومی

۷۴/۶/۲۲

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

مقدمه:

«داستان زندگی است و فقدان آن مرگ»

«تودورف»

داستان زائیده طبع آدمی است و فرزند اوست. و از زمانی برخاسته که بوجود آورنده‌اش از هنر نوشتن بی بهره بود. «قدمت آن به مبادی ادبیات می‌گردد به پیش از اختراع خط و کتابت»^(۱) و شاید به آن زمان که انسان مقهور طبیعت بود و می‌کوشید تا راهی برای نجات خود، از باد و باران و برف و یوران و زمین لرزه و رعد و برق بیابد.

بهر حال نمی‌توان قصه را به زمان خاصی محدود کرد یا بطور قطع تاریخ معینی برای پیدایش آن تعیین نمود. مسلماً تاریخ آن به هزاران سال قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد. و قدیمترین قصه را متعلق به شش هزار سال پیش می‌دانند. و می‌گویند «از گورهای مصری، که متعلق به آن زمان است داستانهای اجتماعی و خیالی زیادی به دست آمده که بر روی کاغذهای پاپیروس نوشته شده است.»^(۲)

همچنین «مجموعه از قصه‌های جادوگران وجود دارد که تاریخ آن به چهار هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد. افسانه سومری گیلگمش و افسانه‌های ازوب (Aesop) به ترتیب متعلق به هزار و چهارصد سال و ششصد سال قبل از میلاد مسیح است. هومر نیز حماسه خود را هزار سال قبل از میلاد مسیح بوجود آورد. در چین و هند نیز داستانهایی وجود داشته»^(۳) و «مجموعه پنجتترا (Panchatantra) یا پنج موقعیت برای دانشدن، گویا در قرن پنجم میلادی و به قلم «ویشنو ساراما» (Visnusarama) تحریر یافته است که بعدها به پیل پای (بیدپای) و کلیله و دمنه معروف شده است.»^(۴)

همچنین در آثار پهلوی (ایران قبل از اسلام) داستانهایی وجود دارند که نمونه خوب و خیالی آن ارداویراف نامه است که سفرنامه‌ای خیالی به بهشت و دوزخ، و نمایانگر هرج و مرج مادی و مذهبی ایران، بعد از حمله اسکندر رومی است و هم عقائد زردشتی را درباره آخرت، در نظر مجسم می‌سازد. جاماسپ نامک و یادگار زریران از دیگر آثار پهلوی است. که داستان اخیر قدیمترین داستان پهلوی و تقریباً در سال ۵۰۰ بعد از میلاد نوشته شده، و مهم‌ترین قطعه حماسی موجود در زبان فارسی است.^(۵)

همچنین «در زمان انوشروان که نهضت به کتابت درآوردن آثار پیدا شد، بسیاری از افسانه‌های ایرانی مدون گشت یا داستانهای ملل دیگر به پهلوی ترجمه شد. از اقوال نویسندگان دوران اسلامی و نیز ترجمه‌هایی که از آثار پهلوی به عربی شده است، می‌توان به وجود داستانهای منشور در این عهد پی برد».^(۶) که بهترین نمونه آن هزار و یکشب است که اصل هندی دارد و قبل از حمله اسکندر به ایران آمده و به هزار افسان معروف شده و قصه‌های ایرانی بسیاری به آن افزوده شده است.^(۷) از قرن سوم هجری به بعد، آثار داستانی متعددی به نثر و نظم (بصورت ترجمه یا تألیف) پدیدار گشت که خود گنجینه‌ای از معارف و اندیشه‌هاست.

بطور کلی در ادبیات فارسی «قصه، حکایت، مثل، افسانه، داستان، روایت و شرح حال و... یک اصطلاح هستند و وجه تمایزی برای آنها نیست. همه اینها به آثاری گفته می‌شود که جنبه خلاقه آنها بر جنبه دیگرشان می‌چربد»^(۸) شاید بتوان گفت قصه‌ها و اصولاً ادبیات داستانی، از قدیم‌الایام برای پندآموزی ابداع شده‌اند. سرگذشت دیگران و رخدادهای زندگی آنان، بهترین وسیله برای تصحیح برنامه زندگی‌ماست.^(۹) قصه نویس با خلق شخصیت داستانی، کیفیات بشری را به خواننده نشان می‌دهد و خواننده با مشاهده اعمال و رفتار قهرمانان قصه از آن غمگین و یا خوشحال می‌شود. افلاطون معتقد است «کار تقلید شاعرانه مجسم ساختن اعمالی است که از اشخاص یا به اجبار و یا به اختیار سر می‌زند و اشخاص آن اعمال را مایه نیکبختی و یا بدبختی خود می‌دانند و از آن بابت متألم و یا خوشحال می‌شوند».^(۱۰) قصه‌نویس از رنج‌ها و خوشی‌های افراد بشر بخوبی آگاه است. نقاط ضعف و قوت جامعه را لمس کرده است و خود فردی از آن اجتماع است لذا در پی اصلاح امور و هموعان خود است و این کار را با نوشتن قصه در موضوعات گوناگون به انجام می‌رساند.^(۱۱)

انواع قصه از نظر موضوع و درونمایه

قصه‌های فارسی را از نظر موضوع و درونمایه به اخلاقی، تعلیمی، مذهبی، فلسفی، عرفانی، عاشقانه و حماسی و تاریخی تقسیم می‌کنند.

شاهنامه فردوسی بزرگترین اثر حماسی است. فردوسی با سرودن این کتاب، نقطه تمام داستانهای تاریخی ادوار بعد و حتی با سرودن بیژن و منیژه و سیاوش و سودابه، تار و پود داستانهای عاشقانه را نهاد.^(۱۲)

کتابهایی چون هزار و یکشب، سندباد نامه، مرزبان نامه، کلبله و دمنه، در شمار قصه‌های اخلاقی هستند که قهرمانان بعضی از این کتابها (مثل کلبله و دمنه و مرزبان نامه) حیوانات هستند.^(۱۳)

قصه‌هایی چون رموز حمزه و حمزه نامه و قصه‌هایی که در خصوص انبیاء است (قصص الانبیاء) از نمونه‌های

مذهبی می‌باشند. حی بن یقظان نیز قصه‌ای فلسفی است و از قصه‌های تعلیمی می‌توان از قصص المرصی زکریای رازی نام برد.

ویس و رامین نیز نخستین منظومه مفصل عاشقانه است. فخرالدین گرجانی اصل کتاب را از پهلوی به فارسی برگرداند و به شعر در آورد. این داستان در واقع تفاوت بین حماسه تاریخی و داستان رمانتیک از لحاظ اسلوب ظاهری را نشان می‌دهد.^(۱۴) بعد از فخرالدین گرجانی باید از نظامی گنجوی نام برد. او با ظهور خود شعر رمانتیک عاشقانه را به اوج خود رساند و هم سبک خاص خود، رمانتیکی، تاریخی را بوجود آورد.

از داستانهایی که موضوع و درونمایه آنها عرفانی است می‌توان از سلمان و افسان، آواز پرچبرئیل، عقل سرخ، حی بن یقظان، قصه الغریبه الغریبه از ابن سینا و سهروردی، همچنین رساله الطیرهای ابن سینا و امام محمد غزالی و مثنویهای الهی نامه، منطق الطیر و مصیبت نامه عطار، نام برد.

با ورود عرفان به پهنه ادب فارسی، تحول و تغییر شگرفی بوجود آمد. بعضی از قالبهای شعری مثل قصیده، اهمیت خود را از دست داد و قالبهایی چون مثنوی و غزل مورد توجه قرار گرفت. مدح و ستایش اهل دربار، کم رنگ و کم رنگ تر گردید، پاره‌ای از کلمات مثل زلف، لب و خال، چشم و ابرو و یار و معشوق و... بصورت سمبلیک به کار گرفته شدند. «و نه تنها در شعر صوفیانه رمز محدود به اعضای جسمانی و زیباییهای صوری معشوق نشد، بلکه حتی اشیاء و موجودات واقعی تا اشیاء و موجودات و شخصیتهای دینی و اساطیری را شامل می‌شود. از جمله در پاسخ امیرحسینی، شیخ محمود شبستری از این رمزها نیز یاد می‌کند:

بگو سیمرغ و کوه قاف چبود
بهشت و دوزخ و اعراف چبود^(۱۶)

این سؤال خود تا حدی چشم اندازی از وسعت و تنوع رمز در شعرهای صوفیانه را فرادید می‌آورد.^(۱۷)

یکی از کلماتی که از دیرباز بصورت نمادین به کار رفته است و در ادبیات و داستانهای عرفانی، بازتابی گسترده یافته، «پرنده» است. در اساطیر اولیه پرندهگان سمبل روح و جان می‌باشند.

«پرندهگان اساطیر و قصه‌ها، مظاهر رمزی روان به شمار می‌روند. چنانکه در بخشی از مکاشفات یوحنا، شهر بابل به صورت زندان ارواح ناپاک، قفس پرندهگان آلوده، پلید و نفرت انگیز توصیف شده است. سخت واضح است که در این متن لغت پرندهگان به جای واژه جانها آمده است. سعی همه پرندهگان قصه در اینست که عاشق و معشوق را به هم برسانند. آنها عاملان وصل اند، محرم اسرارند. مأموران مخصوص مراسم نامزدی و شیرینی خوراندند. تنها ققنوس مرغ افسانه‌ای با بالهای آتشین - عنوان مظهر نمادین مراتب اعلای تشرف و راز آموزی، محسوب شده است ... در اکثر قصه‌های پریان،

مرغان پرنده و خواننده‌ای هستند. آنها نمادهای تمایلات عاشقانه‌اند. تصاویر رهایی بخش اندیشه، آرزو. بسان پیکان و باد، نمودار رؤیاهای مهرآمیز، بوسه، نوازش، شوقمندی، وجد، سرور دلی که هنوز تکسین و تشفی نیافته است، محسوب می‌شوند، بعضی از یک بوسه زاده شده‌اند... نمونه‌ای از آن در داستان آنگوس (Angus) که همتای ایرلندی Capidon^(۱) است، هست. (۱۸)

همچنین در اشعار تعلیمی پرودانس شاعر رومی که در قرن چهارم می‌زیسته، تشبیه روح به پرنده را می‌توان دید. (۱۹)

از دیدگاه عرفا، روح در زندان تن اسیر است و درینند. و در تلاش است تا به موطن و آشیانه ابدی پرواز کند. او می‌خواهد تا خود را از دیاری که در آن غریب و تنهاست به ملک علوی و سرزمین آشنایی پرواز دهد و حب الوطن من نأیمان نیز بدین معنی است. (۲۰)

براساس همین جهان بینی، عده‌ای این حرکت روح را در قالب سفر پرندگان به تصویر کشیده‌اند که برای رسیدن به سیمرغ یا عنقای جان راهی طولانی را در پیش می‌گیرند. اولین فرد از این گروه ابوعلی سیناست و بعد از او امام محمد غزالی و احمد غزالی است و سپس شیخ شهاب‌الدین سهروردی در رساله عقل سرخ پرنده را رمز روح قرار داده است. (۲۱)

بعد از این چند تن، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری است که در مثنوی منطق الطیر، به زیبایی از عهده این کار برآمده است. عطار در این اثر، به رساله الطیر غزالی نظر داشته است (۲۲) اما داستان او از جهانی بر داستانهای هم‌نوع پیشین برتری دارد که یکی قراردادن هدهد به عنوان رهبر و راهنمای مرغان است و دیگر تجانس لفظی بین سیمرغ و سی مرغ است که وحدت وجود را روشن می‌سازد. امتیاز دیگر در حکایات تمثیلی متعددی است که عطار در اثر خود به کار گرفته است (۲۳)، که خود حکایت شیرینی دیگر است.

تمثیل در لغت به معنی مانند، همتا و مثل است. شارل به لا در دایرة المعارف اسلام در مورد مثل می‌گوید:

«در قرآن مثل نه تنها تصویر یا نوعی راست نمایی است؛ بلکه حکمتی نیز در آن نهفته است. س ۱۸ آیه ۵۲، س ۲۵ آیه ۳۵...» و نیز می‌تواند تمثیلی باشد (س ۱۲ آیه ۷۲ و س ۱۸ آیات ۴۳-۴۵) در کاربردهای بعدی مثل به ضرب‌المثلی گفته می‌شود که براساس داستان استوار است و مسلکی یا گرایشی معین را در شرایط خاص از زندگی

۱ - ایزد عشق در اساطیر روم همانند (اروس یونانیان)

می‌نمایاند. این واژه در خصوص داستانهای کلیله و دمنه نیز آمده است و در مفهوم داستان، حیوانات را نیز در بر می‌گیرد (۲۴) استاد یورنامداریان در این مورد بحث مفصل و وافی در کتاب رمز و داستانهای رمزی نموده‌اند که جهت روشن شدن مطلب چند سطری نقل می‌شود.

«در ترجمه تفسیر طبری، تقریباً در اغلب موارد کلمه داستان در ترجمه مثل آمده است که هم مثل‌های کوتاه به صورت تشبیه و هم مثل‌های بلند و داستان گونه و قصص گذشتگان را شامل می‌شود. ترکیب داستان زدن نیز به معنی مثل زدن یا ضرب المثل نیز کراراً به کار رفته است. بطور کلی تمثیل یا حکایت، داستان کوتاه و بلندی است که فکر یا پیامی اخلاقی، عرفانی، دینی، اجتماعی و سیاسی یا جز آن را بیان می‌کند. اگر این فکر یا پیام به عنوان نتیجه منطقی حکایت یا داستان در کلام پیدا و آشکار باشد و یا بصراحت ذکر نشود، آن را مثل یا تمثیل می‌گوییم و اگر این فکر یا پیام در حکایت یا داستان بکلی پنهان باشد و کشف آن احتیاج به فعالیت اندیشه و تخیل و تفسیر داستان داشته باشد، آن را تمثیل رمزی می‌نامیم. شخصیتها در هر دو نوع تمثیل ممکن است حیوانات، اشیاء و انسانها باشند. درباره شکل اصلی مثلها و تمثیلهایی که در سراسر کتابهای تعلیمی - اخلاقی و عرفانی پراکنده است. و معمولاً به عنوان شاهدهی برگفته و تبیین و توضیح فکر در ضمن سخن می‌آید، اظهار نظر دشوار و اغلب محال است. اغلب این حکایات کوتاه و گاهی بلند متعلق به فرهنگ قومی است که گاهی در میان ملت‌های مختلف با اندک اختلافهایی وجود دارد. بنابراین نه می‌توان نویسنده مشخصی برای آنها شناخت و نه زمان پیدایش آنها را تعیین کرد و به همین سبب اینکه آنها از آغاز شکل تمثیل رمزی داشته‌اند یا نه، سؤالی است که پاسخ به آن دشوار است. در آثار مکتوب، اغلب آنها را همراه یک فکر و پیام یا در خدمت اثبات و تأکید فکر و پیام نویسنده می‌بینیم.» (۲۵)

همانطور که اشاره شد، یکی از امتیازات عطار بر غزالی و ابن سینا، استفاده از حکایات و تمثیلات متعدّد است. در واقع قبل از عطار، سنایی است که پیشرو بکارگیری از تمثیل در جهت مقاصد عرفانی در شعر فارسی است. و هم اوست که با گرایش به عرفان، شعرفارسی را از درون متحول ساخت و راه تازه‌ای در پیش روی شاعران بزرگی چون عطار، مولوی و حافظ گشود. او در سال ۵۳۵ هـ وفات یافت و آثاری از قبیل، سیرالعباد الی المعاد، کارنامه بلخ، طریق التحقیق، و از همه مهمتر کتابی بنام حدیقة الحقیقه از خود بجای نهاد که به تعبیر استاد زرین کوب یک قرن و نیم زودتر از کمندی الهی دانسته سروده شد. (۲۷) یکی از خصوصیات این کتاب، حکایات و تمثیلات متعددی است که شاعر جهت توضیح و تبیین اندیشه خود سروده است. اگرچه استاد برون در قضاوتی شتابزده این حکایات را خشک و بی روح می‌دانند (۲۸) اما به نظر استاد زرین کوب با وجود اینکه بعضی از این حکایات لطف و ظرافتی ندارد، در عین حال خالی از